

در سنت معصومان علیهم السلام، یکی از آداب سفرهای تفریحی شوخی با همسفران است.^۱ هم‌وغم انسان در سفر، به دلیل غربت و دوری از وطن، بیشتر است. از این رو، یکی از دستورات آن بزرگواران توجه به شوخی و طنز در طول سفر است تا به این وسیله، مقداری از آن هم‌وغم کاسته شود. البته این نکته هم درخور توجه است که پیشوایان معصوم طنز و لطیفه و شوخی را در چارچوب مطالبی که رضایت خدا در آن باشد، حلال و مطلوب می‌شمردند. این مسئله در تعامل پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نیز قابل مشاهده است.

نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت ناراحت بود. عربی از راه رسید که می‌خواست سوآلی از حضرت بپرسد. اصحاب گفتند رسول اکرم امروز خیلی ناراحت است. مرد عرب گفت: «به خدا قسم تا او تبسم نکند، رهایش نمی‌کنم.» نزد حضرت آمد و گفت: «شنیده‌ام که دجال هنگام ظهور، مقداری آبگوشت برای مردم می‌آورد و مردم از گرسنگی در معرض هلاکت هستند. آیا اگر او را دیدم، از آن غذا نخورم تا بمیرم یا آن قدر بخورم که خوب سیر شوم، بعد، هم به خدا ایمان آورم و هم از دجال بیزاری جویم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله چندان خندید که دندان‌های مبارکش نمایان شد و فرمود: «خداوند مؤمنان را از دجال بی‌نیاز می‌کند.»^۲ در این موارد ذکرشده، شوخ طبعی از لحاظ روانی و درونی نیرویی را در گوینده و مخاطب ایجاد می‌کند که با القای خلیات مثبت و زدودن غبار منفی‌بافی ذهنی و روانی و حتی خلیات منفی، احساس سبکی و رهایی از غم و رنج و دل‌گرفتگی و نشاط و ذوق و وجد درونی را برای افراد مقابل ایجاد می‌کند و موجب نشاط و شادمانی می‌گردد.

دو مسئله اخلاقی درباره طنز و لطیفه‌گویی (جوک)

۱. تقلید صدا و لهجه از منظر اخلاقی

از منظر اخلاقی، تقلید صدا و استفاده از لهجه‌های قومی تا زمانی که پیامدهای غیراخلاقی - مانند توهین و استهزا - نداشته باشد، جزو فعالیت‌های فراغتی

مزاح می‌کنند و می‌خندند. ابوالحسن (امام رضا) گفت: مانعی ندارد، اگر چیز بدی نباشد. من تصور کردم که منظور آن حضرت فحش و متلک بود. بعد از این سخن، امام گفت: یک نفر اعرابی از صحرا می‌آمد و برای رسول خدا هدیه می‌آورد و هنوز از جایش برنخاسته بود که می‌گفت: ای رسول خدا، پول هدیه را لطفاً بپردازید. رسول خدا از سخن او می‌خندید. بعدها هرگاه که رسول خدا غمناک بود، می‌گفت: آن مرد اعرابی چه شد؟ کاش می‌آمد و ما را می‌خنداند (شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۳).

۱. «و قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام الْمُرُوءَةُ مُرُوءَتَانِ مُرُوءَةُ الْخَصْرِ وَ مُرُوءَةُ السَّفَرِ... أَمَّا مُرُوءَةُ السَّفَرِ فَبَذْلُ الزَّادِ وَ الْمَزَاحُ فِي غَيْرِ مَا يُسَخِّطُ اللَّهَ...» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۴).

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۹۵.

مثبت به شمار می‌آید. از بُعد فقهی نیز فقهای عظام عدم جواز تقلید صدا و گوش دادن به آن را منوط به همین مسئله دانسته‌اند. نمونه آن استفتای آیت‌الله مکارم شیرازی است: «هرگونه طنز و تقلید صدا و حرکاتی که موجب آزار یا اهانت به افراد شود شرعاً جایز نیست و نگاه کردن به آن نیز اشکال دارد (به دلالت التزامی، طنزی که موجب آزار یا اهانت نشود منعی ندارد)».

«طنز» بیان لطیف، هوشمندانه، شیرین و خنده‌آور است که گاه جدی‌ترین و حزن‌انگیزترین پیام‌ها را شنیدنی و قابل تحمل می‌کند. اما نکته اساسی این است که طنز برای بروز یافتن به قالب نیاز دارد و این قالب‌ها گاهی عادات و آداب اقوام، لهجه‌ها و شغل‌ها هستند. ایران سرزمین وسیع و پهناوری است که دارای اقوام مختلف با لهجه‌ها و گویش‌های گوناگون و به‌طور طبیعی مشاغل مختلف است و گویش‌های ایرانی هرکدام شیرینی و لطافت خود را دارند. گاه جمله و نکته‌ای با لهجه شمالی، اصفهانی، لری، شیرازی، آذری یا کرمانی چنان شیرین و گیراست که همه از آن لذت می‌برند و باید در طنز به این اصل قائل باشیم که گویش‌های مختلف ایرانی در خدمت لذت بردن و شادمانی همه ایرانیان باشند، نه آن‌که ناخواسته ابزار تحقیر و تمسخر یک قومیت خاص گردند.

۲. طنزهای قومیتی

هر ملیت یا قوم و نژادی به آداب و رسوم و عادات و روش زندگی کردن و حرف زدن و... خود عادت دارد. به همین ترتیب، عادات و آداب دیگر ملل یا اقوام و نژادها برایشان کمابیش عجیب و غریب به نظر می‌رسد و این نامأنوس بودن ابتدا مایه تعجب و بعد گاهی موجب سؤال و گاهی هم دستمایه انتقاد یا تمسخر آنان می‌شود. گاهی هم رقابت‌های محلی یا برخی ریشه‌های تاریخی باعث تکه انداختن یا لطیفه‌سازی می‌شود، چنان‌که انگلیسی‌ها درباره اسکاتلندی‌ها و ایرلندی‌ها جوک می‌سازند. این‌گونه طنزها که به‌نوعی دربردارنده رگه‌هایی از تمسخر دیگر ملل یا اقوام هستند نه تنها سازنده نیستند، بلکه مخرب‌اند. طنزهای مذهبی یا جنسیتی مردان درباره زنان یا زنان مردان نیز تا حدودی همین‌گونه‌اند. در طنزهای تهاجمی، دو حالت خنده و خشم به‌صورت هم‌زمان ایجاد می‌شوند. مهاجم می‌خندد و لذت می‌برد و تهاجم‌دیده رنج می‌برد و خشمگین می‌شود. این نوع طنز با رفتارهایی مانند تحقیر، کودن‌نمایی، ویران کردن نمادها، ستایش اغراق‌آمیز و نامعقول، بزرگ کردن معایب، نقیضه‌گویی و... روح، ماهیت، توانایی و هویت افراد را آزار می‌دهد. طنزهای قومیتی به دو دلیل غیراخلاقی‌اند:

۱) **تقویت تبعیض:** تحلیل بسیاری از طنزهای قومیتی، آن‌ها را دربردارنده یا تقویت‌کننده باورهای تبعیض‌آمیز (و حتی گاهی نژادپرستانه) در ذهن مخاطب می‌داند. از این منظر، غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی به دلیل باورهای نژادپرستانه‌ای است که در این طنزها نهفته است.

۲) **مسئولیت‌ناپذیری:** آنچه ما را متقاعد می‌کند که غیراخلاقی بودن طنزهای قومیتی را بپذیریم این مسئله است که چنین طنزهایی گویندگان خویش را در روندی قرار می‌دهند که بتوانند مسئولیت اخلاقی‌شان را فراموش کنند. یکی از نقدهای جدی‌ای که به طنز و خصوصاً طنزهای قومیتی وارد است این است که این طنزها فرد را در قبال مسئولیت‌هایی که در برابر دیگران (مثلاً ملیت یا قوم موردنظر) دارد، رها می‌کنند و اساساً فرد با قرار گرفتن در مکانیسم لودگی و شوخی و خنده، مسئولیت خویش در برابر آن‌ها را فراموش می‌کند.

خودکاوی: سبک‌های فراغتی جوانان ایرانی

پس از خواندن متن درون کادر، مشخص کنید که اوقات فراغت و فعالیت‌های فراغتی شما چه سهمی از چهار سبک زیر را به خود اختصاص می‌دهند:

براساس سه مؤلفه میزان آزادی، میزان برخورداری مالی و نوع انگیزش فردی، حداقل چهار الگوی فراغتی را می‌توان در جوانان ایرانی تصویر کرد:

۱. فراغت ناب: الگویی است که در آن انتخاب و آزادی عمل زیاد با احساس تعلق و جذب فعالیت فراغتی شدن تلاقی دارد، مانند سرگرمی‌های موردعلاقه تعطیلات نوروزی یا تابستانی؛

۲. فراغت بی‌برنامه (آنومیک): تجربه فراغتی برآمده از فقدان محدودیت سازمانی و ساختاری، به همراه علاقه و ارتباط ضعیف با میدان فراغتی، مانند دوران انتظار برای رفتن به سربازی یا دوره پس از قبولی در کنکور تا آغاز دانشگاه؛

۳. فراغت نهادین: فراغت‌هایی که در پیوند با نقش‌های کاری، خانوادگی و دینی ایجاد می‌شوند، مانند حضور در کانون‌های فرهنگی، مساجد و تشکل‌های سیاسی؛

۴. فراغت بیگانه: فراغت برآمده از آزادی عمل محدود و لذت محدود، مانند جوانی که به دلیل خشونت و استبداد در خانه، از دنبال کردن علایق فراغتی خود محروم است و فراغت‌های محدودی دارد.^۱

۱. محمدسعید ذکایی و دیگران، **سبک‌های فراغتی جوانان**، ص ۵۵-۵۷.